



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

نظم بزرگ (نقد زمان در نگاه سرمایه داری)



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر عاطفه تکلیف
در رویداد ملی هجرت ۳؛ خانه سلیمانی می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

سخنران: دکتر عاطفه تکلیف

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: نظام سرمایه‌داری، استثمار زنان، فمینیسم، کار عاطفی، جنبش زنان

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۰۲۱۵۳۷

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

مقدمه	۱
محور اول: نظام سرمایه‌داری، تعریف و شکل‌گیری	۱
مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری: لیبرالیسم	۲
بررسی نقش‌آفرینی زنان در نظام سرمایه‌داری	۳
تعریف نظام سرمایه‌داری	۳
ظلم مضاعف بر زنان در نظام سرمایه‌داری	۴
ظلم به زنان در بررسی زایمان در نظام سرمایه‌داری	۵
ظلم به زنان در انجام کار عاطفی در نظام سرمایه‌داری و از خودبیگانگی مردان	۵
محور دوم: ارزش کار زنان در نظام سرمایه‌داری، از بی‌ارزشی تا استعمار	۶
مدرنیته، خانواده و استعمار زنان	۷
محور سوم: واکنش زنان به ظلم نظام سرمایه‌داری	۸
۱. رویکرد لیبرالیستی	۸
۲. رویکرد سوسیالیستی	۹
۳. رویکرد فمینیستی	۱۱
جنبش‌های زنان در ایران	۱۱
جمعیت نسوان وطن‌خواه	۱۲
خطر تفکر انقلابی در نظام سرمایه‌داری	۱۳



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

باسمه تعالی

مقدمه

در این نشست، به بررسی نقش آفرینی زنان در نظام سرمایه داری و ظلم‌هایی که این نظام بر آنها روا می‌دارد، پرداخته خواهد شد. تمرکز اصلی بر پیامدهای زیستن زنان در این نظام و جایگاهی است که به آنها تحمیل شده است. در این راستا، به طور کلی به مفهوم زن و تجربیات مشترک زنان در نظام سرمایه داری خواهیم پرداخت. اما در کنار این ظلم‌ها، شاهد تلاش‌های انقلابی زنانی هستیم که برای احقاق حقوق خود و دیگر زنان مبارزه می‌کنند. همانطور که از عنوان بحث پیداست، قصد داریم به بررسی نقشی که زنان در نظام سرمایه داری ایفا می‌کنند و ظلم‌هایی که این نظام بر آنها روا می‌دارد، بپردازیم. برای این منظور، ابتدا باید درک روشنی از ماهیت نظام سرمایه داری و پیامدهای آن برای زنان به دست آوریم. در ادامه، به بررسی ظلم‌هایی که در این نظام بر زنان اعمال می‌شود، واکنش‌ها و مبارزات زنان در برابر این ستم‌ها و اقدامات نظام سرمایه داری برای سرکوب این جنبش‌ها پرداخته خواهد شد که این موارد، چند محور اصلی دارند که در این بحث ارائه می‌شوند:

محور اول: نظام سرمایه داری، تعریف و شکل‌گیری

نظام سرمایه داری، یک سیستم پیچیده است که ابعاد مختلفی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد. نظام سرمایه داری بر پایه زیرساخت‌های مختلفی بنا شده است که هر کدام کارکرد خاص خود را دارند. به طور خلاصه، می‌توان گفت که این نظام پس از انقلاب صنعتی، در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفت.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که زمینه‌ساز پیدایش نظام سرمایه داری شد، پیشرفت فناوری بود. این پیشرفت‌ها منجر به تولید انبوه کالاها^۱ برای مردم عادی شد. در حالی که پیش از این، تقاضا برای کالا بود که عرضه را به وجود

۱. mass production: تولید انبوه شامل ساخت خیلی سریع کالاهای مشابه به تعداد زیاد است. در این روش به جای اینکه



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

می آورد، در این دوران شاهد گسترش بی سابقه عرضه بودیم. به طوری که نیاز به ایجاد تقاضای متناسب با این حجم از عرضه به وجود آمد.

در پی گسترش تولید انبوه، شاهد شکل گیری دو طبقه اجتماعی جدید بودیم: «طبقه سرمایه داری و طبقه کارگر». سنگ بنای اصلی نظام سرمایه داری، مفهومی به نام «تکثیر سرمایه» است؛ به عبارت دیگر، انباشت سرمایه، شرط بقای این نظام است. در واقع، نظام سرمایه داری بر پایه تولید کالا و فروش آن به بالاترین قیمت ممکن بنا شده است. سود حاصل از این فروش، دوباره سرمایه گذاری می شود و این چرخه به طور مداوم ادامه پیدا می کند. همانطور که گفته شد، نظام سرمایه داری از زیرسیستم های مختلفی تشکیل شده است. برای انسجام و توجیه پذیری ارتباط بین این زیرسیستم ها، به یک مبنای فلسفی نیاز است. این مبنای فلسفی، در واقع، مجموعه ای از ایده ها و باورها است که توجیه گر ساختار و عملکرد نظام سرمایه داری می باشد.

مبنای فلسفی نظام سرمایه داری: لیبرالیسم

مبنای فلسفی که برای نظام سرمایه داری مطرح می شود، لیبرالیسم^۱ است. در فلسفه لیبرالیسم، بر آزادی فرد در انتخاب هایش تأکید می شود. این آزادی شامل انتخاب هایی مانند تولید کالا برای حداکثر سود، مصرف کالایی که بیشترین مطلوبیت را به ارمغان می آورد و استخدام کارگری با کمترین دستمزد می شود؛ در واقع، یکی از عوامل اصلی حداکثر سازی سود در نظام سرمایه داری، حداقل سازی هزینه ها است. و دستمزد، یکی از مهم ترین هزینه ها در این سیستم به حساب می آید. همانطور که در ابتدای بحث اشاره شد، نظام سرمایه داری با ساختار و قواعد خود، منجر به شکل گیری دو طبقه اجتماعی مجزا شد: طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر.

هر کارگر بر روی ساخت تمام یک محصول کار کند، از روش مونتاژ استفاده می شود تا کالاهایی که به صورت جزئی تکمیل شده اند برای کارگرهایی که بر روی قسمت خاص دیگری از محصول کار می کنند، فرستاده شوند. این کار باعث تسریع فرایند ساخت می شود. به تولید یک کالا به یک شکل اما به مقدار زیاد تولید انبوه گفته می شود.

۱. لیبرالیسم به انگلیسی Liberalism یا لیبرال گرایی در معنای لغوی، به معنی آزادی خواهی با قوانین خاص است و به آرایه وسیعی از ایده ها و نظریه های مرتبط دولت گفته می شود که آزادی فردی را مهم ترین هدف سیاسی می داند.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

بررسی نقش آفرینی زنان در نظام سرمایه داری

در ادامه به بررسی نقش آفرینی زنان در نظام سرمایه داری و ظلم هایی که این نظام بر آنها روا می دارد، می پردازیم. برای این منظور، ابتدا به طور خلاصه به تعریف نظام سرمایه داری و ابعاد مختلف آن پرداخته خواهد شد. سپس به بررسی مطالبی که بر زنان در این نظام اعمال می شود، واکنش ها و مبارزات زنان در برابر این ستم ها و اقدامات نظام سرمایه داری برای سرکوب این جنبش ها می پردازیم:

تعریف نظام سرمایه داری

نظام سرمایه داری، یک سیستم اقتصادی است که در آن یک ساختار فرهنگی فلسفی به نام فلسفه لیبرالیسم وجود دارد. در این نظام، ابزار تولید در مالکیت افراد یا گروه های خاصی (سرمایه داران) است. مبنای فلسفی نظام سرمایه داری، لیبرالیسم است که بر آزادی فرد در انتخاب هایش تأکید می کند و دموکراسی لیبرال یکی از اجزای این نظام است که در این نوع دموکراسی، افراد از طریق انتخابات در فرآیند سیاسی مشارکت کرده و بر آن تأثیر می گذارند. در یک چنین سیستم سیاسی یا نظام انتخاباتی، افراد پرنفوذ و قدرتمند تأثیر بیشتری می گذارند. در واقع جهت حفظ انسجام این نظام، همسو شدن نظام سیاسی با اهداف طبقه سرمایه دار و طبقه سرمایه گذار به طور قطع برقرار است. یکی از پیامدهای ناگزیر نظام های سیاسی و انتخاباتی که بر پایه قدرت و ثروت بنا شده اند، استثمار طبقه کارگر است. در این نظام ها، تکثیر سرمایه به عنوان یک ضرورت مطلق تلقی می شود و این امر جز از طریق استخدام کارگران با دستمزد پایین میسر نخواهد شد.

لازم به ذکر است که در این بحث، فعلاً به موضوع «جنسیت» و «تفاوت های زن و مرد» پرداخته نشده است و فعلاً صرفاً ماهیت و کارکرد نظام های مبتنی بر قدرت و ثروت مورد بررسی قرار می گیرد. استاد حسینی در کتاب «فریب بزرگ» به تلاش های اقتصاددانان قرن بیستم و یکم برای حل معضلات ذاتی نظام سرمایه داری می پردازد. این اقتصاددانان، با وجود اذعان به وجود مشکلاتی در نظام های مبتنی بر بازار آزاد، به دنبال راه هایی برای حفظ و تداوم این نظام هستند. در کشور ما نیز، برخی معتقدند که مشکلات موجود ناشی از ذات نظام سرمایه داری



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

نیست و با اصلاحات جزئی قابل حل است. کتاب «فریب بزرگ» این دیدگاه را به چالش می کشد و ریشه اصلی مشکلات را در استثمار نیروی کار، که یکی از ویژگی های ذاتی نظام سرمایه داری است، می داند.

پیش از انقلاب صنعتی نیز شاهد وجود طبقات کارگر و سرمایه دار بودیم. اما تولید انبوه، پیشرفت فناوری و مازاد عرضه بر تقاضا که در پی این انقلاب رخ داد، روابط جدیدی بین این دو طبقه ایجاد کرد. در این روابط جدید، استثمار به عنصری ذاتی تبدیل شد. سرمایه داران در پی کاهش دستمزدها و افزایش سود خود بودند و این امر منجر به شکاف طبقاتی عمیق بین این دو طبقه شد. شکاف طبقاتی در نظام سرمایه داری، بحران ها و جنبش های کارگری را به دنبال داشت.

تولید مازاد بر تقاضا، سرمایه داران را به جستجوی بازارهای جدید برای فروش کالاهای خود وادار کرد. این امر زمینه ساز استعمار، سلطه جویی و امپریالیسم شد. تا اینجا، با تعریف کلی و تصویر کلی از نظام سرمایه داری آشنا شدیم. در ادامه ویژگی های این نظام از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی می شود. از نظر اقتصادی، نظام سرمایه داری بر پایه مالکیت خصوصی و تلاش برای کسب سود استوار است. از نظر سیاسی، این نظام با حمایت از منافع سرمایه داران همراه است. از نظر فرهنگی نیز، نظام سرمایه داری فرهنگ مصرف گرایی را ترویج می کند.

ظلم مضاعف بر زنان در نظام سرمایه داری

تاکنون به استثمار طبقه کارگر در نظام سرمایه داری پرداختیم. اما در این بخش، به ظلم مضاعفی که بر زنان در این نظام روا می شود، می پردازیم. زن در نظام سرمایه داری، علاوه بر استثمار به مثابه یک کارگر، با تبعیض ها و نابرابری های جنسیتی نیز مواجه است. دلایل متعددی برای این ظلم مضاعف وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- ریشه های فرهنگی و مردسالاری: نظام سرمایه داری نه تنها از ساختارهای مردسالانه موجود در جوامع بهره برداری می کند، بلکه این ساختارها را نیز تقویت می کند. این امر منجر به محرومیت زنان از فرصت های برابر در زمینه های مختلف، از جمله تحصیل، اشتغال و توسعه فردی می شود.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

• **تقسیم کار جنسیتی سنتی:** در نظام سرمایه داری، تقسیم کار جنسیتی سنتی همچنان پابرجاست. زنان به طور عمده مسئول کار خانگی و نگهداری از فرزندان هستند، در حالی که مردان در بازار کار حضور دارند. این امر بار مضاعفی بر دوش زنان می گذارد.

در ادامه بحث ظلم مضاعف بر زنان در نظام سرمایه داری، به دو مورد از جنبه های کلیدی این ظلم می پردازیم:

ظلم به زنان در بررسی زایمان در نظام سرمایه داری

- زنان در نظام سرمایه داری، بدون دریافت هیچ پاداشی، نیروی کار مورد نیاز این نظام را تولید می کنند.
 - فرزندان به مثابه نیروی کار آینده، سرمایه ای برای سرمایه داران محسوب می شوند.
 - بار سنگین فرزندآوری بر دوش زنان گذاشته می شود، درحالی که هیچ حمایتی از آنها در این زمینه صورت نمی گیرد.
- انقلاب صنعتی که در اواخر قرن هجدهم (۱۷۷۰-۱۷۸۰ میلادی) آغاز و تا اوایل قرن نوزدهم ادامه داشت، تحولات عمیقی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع به وجود آورد. سه تا چهار دهه پس از وقوع انقلاب صنعتی، شاهد ظهور جنبش های کارگری در کشورهای اروپایی بودیم. در همان دوره، جنبش های فمینیستی^۱ نیز در اروپا شکل گرفتند. در زمان ملکه ویکتوریا در انگلستان (۱۸۳۷-۱۹۰۱) که جنبش های کارگری و فمینیستی در اروپا در اوج خود بودند، ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۴۸-۱۸۹۶) قرار داشت. در آن زمان، مفاهیمی افزایش حقوق یا مرخصی زایمان مطرح بود که در ایران معنای روشنی نداشتند و کارگران از حقوق اولیه خود محروم بودند.

ظلم به زنان در انجام کار عاطفی و از خودبیگانگی مردان

فیلم کوتاه چارلی چاپلین که در آن یک کارگر پیچ و مهره ای را سفت می کند، نمادی از کار ساده و یکنواختی

۱. فمینیسم (به فرانسوی: Féminisme) گستره ای از جنبش های سیاسی، ایدئولوژی ها و جنبش های اجتماعی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی زنان است. فمینیست ها بر این باورند که جوامع، دیدگاه مردان را در اولویت قرار می دهند و با زنان در این جوامع به صورت منصفانه ای رفتار نمی شود. تلاش ها برای تغییر این وضعیت شامل مبارزه با کلیشه های جنسیتی و تلاش برای فراهم آوردن موقعیت های تحصیلی و شغلی برابر با مردان برای زنان است.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

است که کارگران در نظام سرمایه‌داری انجام می‌دهند. انجام چنین کاری به طور مداوم، می‌تواند منجر به افسردگی شود البته امروزه به نام افسردگی شناخته می‌شود اما در دوران‌های گذشته به از خودبیگانگی تعبیر می‌شد چراکه کارگر اجازه نوآوری، خلاقیت و ابراز عقیده در کار خود را نداشت که این موضوع در نهایت به مشکلات خانوادگی ختم می‌شد و در واقع زنان در در خانه، محیطی گرم و صمیمی برای مردان فراهم می‌کنند تا خستگی و استرس و افسردگی ناشی از کار را خنثی یا از بین ببرند و آماده یک روز کاری دیگر شوند.

اما برای این کار عاطفی، هیچ پاداشی به زنان داده نمی‌شود؛ در واقع، زنان در نظام سرمایه‌داری، دو نوع کار انجام می‌دهند: «کار در خانه و کار عاطفی». هر دوی این کارها برای بقای نظام سرمایه‌داری ضروری هستند، اما هیچ کدام به طور کامل به رسمیت شناخته نمی‌شوند و هیچ پاداشی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود.

محور دوم: ارزش کار زنان در نظام سرمایه‌داری، از بی‌ارزشی تا استثمار

در نظام سرمایه‌داری، ارزش کالا در بازار تعیین می‌شود اما کار زنان در خانه و در بسیاری از موارد، هیچ بازاری برای ارزش‌گذاری نداشت. این موضوع، پیامدهای منفی بسیاری برای زنان به همراه داشت، یکی از این پیامدها، گرایش زنان به کار در خارج از خانه بود. زنان به این نتیجه رسیدند که اگر مانند مردان در بازار کار حضور داشته باشند، می‌توانند برای کار خود ارزش قائل شوند و حقوق خود را دریافت کنند، اما زنان کارگر در نظام سرمایه‌داری با چالش‌های متعددی روبرو بودند. آنها دستمزدهای بسیار پایین‌تری نسبت به مردان دریافت می‌کردند و از نظر اجتماعی و حقوقی مورد تبعیض قرار می‌گرفتند.

در واقع، زنان در نظام سرمایه‌داری به مثابه «ارتش ذخیره» برای مردان محسوب می‌شدند. در زمان جنگ، زنان جایگزین مردان در کارخانه‌ها می‌شدند و پس از بازگشت مردان از جنگ، به راحتی اخراج می‌شدند. این امر، استثمار مضاعف زنان را به دنبال داشت و نقض حقوق بشر محسوب می‌شد.

پایین بودن دستمزد زنان کارگر در نظام سرمایه‌داری، وابستگی آنها به مردان را افزایش می‌داد و نوعی استثمار محسوب می‌شد اما در بحث استثمار زنان، اولین چیزی که به ذهنمان می‌رسد، مردسالاری است. اما آیا زنان توسط زنان دیگر نیز



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

مورد استثمار قرار نمی گیرند؟ استثمار زنان توسط زنان ثروتمند، یکی دیگر از معضلات جوامع طبقاتی بوده است. جالب توجه است که بسیاری از پیشگامان جنبش های فمینیستی، از طبقه اشراف و ثروتمندان جامعه بودند. دلیل این امر آن بود که این زنان به دنبال حقوقی مانند حق رأی، حق تحصیل و حق امضای قرارداد بودند؛ اما زنان طبقه کارگر، دغدغه های دیگری داشتند. آنها بیشتر به دنبال معیشت و گذران زندگی بودند تا حق رأی و حق امضای قرارداد. بررسی شواهد تاریخی نشان می دهد که، استثمار زنان کارگر توسط زنان ثروتمند، در کنار مردسالاری، یکی از عوامل اصلی ظلم به زنان بوده است.

مدرنیته، خانواده و استثمار زنان

در سیر تاریخی مدرنیته، شاهد بی ارزش شدن نهاد خانواده و از بین رفتن تقدس زن هستیم که این امر، یکی از واکنش های نظام سرمایه داری به جنبش های زنان بوده است. نظام سرمایه داری با ضعیف کردن خانواده و کاهش ارزش زن در آن، به دنبال مهار کردن رویکرد انقلابی زنان و حفظ بقای خود است. زنی که در خانواده نقش فعالی در فرزندآوری و تربیت نسل آتی ایفا می کند، دیدگاه های پرورشی خود را به نسل بعدی منتقل می کند و این امر، می تواند چالش هایی برای نظام سرمایه داری ایجاد کند. بنابراین، نظام سرمایه داری با بی ارزش کردن خانواده و زن، به دنبال از بین بردن این چالش هاست.

یکی از نمودهای بارز استثمار زنان در نظام سرمایه داری، اختلاف دستمزد زنان و مردان است حتی در کشورهای اروپایی و در مشاغل رده بالا، این تفاوت همچنان وجود دارد. تحقیقات نشان می دهد که زنان در بسیاری از موارد، برای کار مشابه، دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می کنند. شاید این سوال مطرح شود که آیا مشارکت گسترده زنان در جامعه به معنای رفع استثمار آنها و رهایی از مسئولیت های خانوادگی است؟ پاسخ منفی است.

حتی با وجود حضور زنان در عرصه های اجتماعی، آنها همچنان وظایف خود را به عنوان مادر و همسر در خانه انجام می دهند. این وظایف، که عمدتاً بی بازار و بی ارزش تلقی می شوند، بار مضاعفی بر دوش زنان می گذارند و از آنها در ازای کارشان هیچ پاداشی دریافت نمی شود. تا این مقطع با مفهوم نظام سرمایه داری آشنا شدیم.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

محور سوم: واکنش زنان به ظلم نظام سرمایه داری

زنان در پاسخ به ظلم و ستمی که در نظام سرمایه داری متحمل می شدند، دست به اقدام زدند. جنبش های فمینیستی، مبارزه ای برای احقاق حقوق زنان در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی بود. همانطور که اشاره شد، پیشگامان این جنبش ها زنان طبقه کارگر نبودند، بلکه عمدتاً از زنان طبقات ثروتمند و مرفه جامعه بودند. در ایران نیز، نخستین جنبش های فمینیستی توسط زنان درباری و شاهزادگان قاجار به راه افتاد. هدف این جنبش ها، افزایش حضور زنان در فعالیت های اجتماعی بود.

برای مثال، در یکی از این جنبش ها، زنان برای حضور در جلسات و بیان مطالبات خود، ملزم به همراه آوردن یکی از محارم خود بودند و با وجود حضور مردان در این جلسات، زنان فرصت صحبت و بیان خواسته های خود را پیدا می کردند. این امر، گامی مهم در جهت ارتقای موقعیت اجتماعی زنان و احقاق حقوق آنها بود.

لازم به ذکر است که، جنبش های فمینیستی با وقفه ای زمانی نسبت به جنبش های کارگری که در پی انقلاب صنعتی در اروپا شکل گرفته بودند، به وجود آمدند. در هر دو نوع از این جنبش ها، زنان و طبقه کارگر با چالش ها و تبعیض های متعددی روبرو بودند. جنبش های فمینیستی را می توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: «رویکرد لیبرالیستی، رویکرد سوسیالیستی و رویکرد فمینیستی».

۱. رویکرد لیبرالیستی

رویکرد لیبرالیستی در جنبش های فمینیستی، بر اعطای حقوق برابر به زنان و مردان در زمینه های مختلف، از جمله حق رأی، حق مالکیت، حق امضای قرارداد و حق دستمزد یکسان تأکید دارد. اما آیا این دستمزد یکسان با مبانی لیبرالیسم سازگار است؟ در واقع، لیبرالیسم کلاسیک، موافق تعیین دستمزد در بازار آزاد است.

بر اساس این دیدگاه، هرچه سطح دستمزدها پایین تر باشد، از نظر اقتصادی به نفع سرمایه گذاران خواهد بود. باوجود این، جنبش های فمینیستی لیبرال در زمینه های مختلفی به موفقیت هایی دست یافته اند. اما هنوز تا رسیدن به برابری کامل جنسیتی در عرصه سیاسی، راه درازی در پیش است؛ به طور مثال در ایالات متحده آمریکا، تاکنون هیچ



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

زنی به عنوان رئیس جمهور انتخاب نشده است. در انگلستان، خانم مارگارت تاچر به مدت یازده سال و خانم ترزا می برای مدت کوتاهی نخست وزیر بوده‌اند. خانم لیز تراس نیز که به تازگی به عنوان نخست وزیر این کشور انتخاب شده، تنها ۴۹ روز در این سمت دوام آورد. این امر نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های فمینیست‌های لیبرال که عموماً از طبقه مرفه بودند، زنان هنوز نتوانسته‌اند به طور کامل در عرصه سیاسی به برابری با مردان دست پیدا کنند.

۲. رویکرد سوسیالیستی

طرفداران این رویکرد معتقدند که دولت باید با دخالت در امور اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای برابری زنان و مردان را فراهم کند. حمایت از حقوق باروری، مرخصی زایمان برای زنان، برابری در دستمزد و سایر حقوق اجتماعی از جمله مواردی است که در رویکرد سوسیالیستی^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد.

اما گروهی از سوسیالیست‌ها که به سوسیالیست‌های انقلابی مشهور هستند، معتقدند که دخالت دولت در نظام سرمایه‌داری نه تنها به حل مشکل نابرابری جنسیتی کمکی نمی‌کند، بلکه به بقای این نظام نیز یاری می‌رساند. آنها بر این باورند که تنها راه رهایی زنان از ستم و تبعیض، سرنگونی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با یک نظام سوسیالیستی است.

همانطور که اشاره شد، جنبش‌های فمینیستی در طول تاریخ به منظور مبارزه با نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسی شکل گرفته‌اند. این جنبش‌ها را می‌توان به چهار موج اصلی تقسیم کرد:

موج اول فمینیسم: در سال ۱۸۴۸ در آمریکا آغاز شد. تمرکز اصلی این موج بر روی نهضت حق رأی زنان بود. زنانی که در این جنبش فعالیت می‌کردند خواهان حقوقی مانند حق رأی، تحصیل، مالکیت و امضای قرارداد بودند. فعالیت‌های این زنان منجر به تشکیل نخستین اتحادیه‌های اجتماعی و سیاسی زنان شد که از نظر اجتماعی، گامی مثبت در جهت مقابله با ظلم‌هایی بود که به زنان روا می‌شد. در نهایت، تلاش‌های این زنان به اعطای حق

۱. سوسیالیسم (به فرانسوی: Socialisme) که در فارسی جامعه‌خواهی یا جامعه‌گرایی نیز خوانده می‌شود، اندیشه‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هدف آن ایجاد نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر برابری است، به معنای آن که تمامی قشرها و طبقات جامعه سهمی برابر و هم‌اندازه در سود همگانی داشته باشند.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

رأی به زنان در کشورهای آمریکا و اروپا (البته فقط زنان سفیدپوست) منجر شد. موج‌های بعدی فمینیسم بر رفع محدودیت‌هایی تمرکز داشتند که بر اساس جنسیت، رنگ پوست، نژاد و قومیت اعمال می‌شد. با این حال، در مراحل اولیه جنبش فمینیسم شاهد آن بودیم که طبقه حاکم و ثروتمند از این جنبش برای ترویج اهداف و نیازهای خود سوء استفاده می‌کردند.

موج دوم فمینیسم: حدود یک قرن پس از موج اول فمینیسم و در سال‌های آشوب‌زده پس از جنگ جهانی دوم، موج دوم فمینیسم سر برآورد. این جنبش نوظهور، بر توسعه نقش اجتماعی زنان و مسائل مرتبط با خانواده متمرکز بود. زنان در این دوره با اتکا به دستاوردهای اولیه خود در موج اول، به بحث‌های اجتماعی عمیق‌تر ورود کرده و خواهان قوانینی بودند که حقوقشان را به طور کامل تضمین کند. از جمله دستاوردهای مهم این جنبش می‌توان به تصویب قانون برابری دستمزدها در سال ۱۹۶۳، قانون حقوق شهروندی در سال ۱۹۶۴، برای به رسمیت شناختن حقوق زنان و قانونی شدن و حق سقط جنین در سال ۱۹۷۳ اشاره کرد.

یکی از نکات جالب در تاریخ فمینیسم، تغییر جهت‌گیری‌ها و تکامل این جنبش در طول زمان است. درحالی‌که جنبش‌های اولیه فمینیستی بر دستیابی به حقوق شهروندی و اجتماعی تمرکز داشتند و تا حدی نیز در این زمینه موفق بودند، مسیر فمینیسم در ادامه دستخوش تحولات عمیقی شد؛ به طور مثال محققان بر زمان دقیق وقوع موج سوم فمینیسم اتفاق نظر ندارند و تلویحاً متعلق به دهه ۱۹۸۰ می‌دانند؛ چراکه مفهوم درهم‌تنیدگی^۱ در آن مقطع مطرح شد. **موج سوم فمینیسم:** درهم‌تنیدگی به ظلم‌های چندگانه‌ای که به زنان تحمیل می‌شد، اشاره دارد؛ به عنوان مثال، یک زن کارگر سیاه‌پوست ممکن است به دلیل نژاد و طبقه اجتماعی خود، تبعیض مضاعفی را در مقایسه با یک زن سفیدپوست کارگر تجربه کند. همچنین، یک زن سفیدپوست از یک منطقه محروم شهری ممکن است به دلیل محل زندگی و طبقه اجتماعی خود، ستم بیشتری را نسبت به یک زن سفیدپوست از طبقه متوسط تجربه کند. موج سوم فمینیسم با طرح مفهوم درهم‌تنیدگی، خواستار توجه به این ظلم‌های مضاعف و یافتن راه‌حل‌هایی برای رفع آن‌ها است.

۱. اینترسکشنالیتی یا درهم‌تنیدگی (به انگلیسی: Intersectionality) چارچوبی تحلیلی است در تلاش برای شناسایی نظامات درهم‌تنیده قدرت که بر کسانی که بیش از همه در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند اثر می‌گذارد.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

موج چهارم فمینیسم: موج چهارم فمینیسم که از سال ۲۰۱۲ آغاز شد، در جهت قانونی شدن صنعت سکس مطرح شد که فعالان این صنعت تحت شمول قانون کار باشند. به این ترتیب آزادی تحت عنوان اینکه از بدن خود به هرنحوی که مایلند استفاده کنند. در کنار این مسائل بحث سواستفاده جنسی، بحث مزاحمت‌های جنسی نیز مطرح شد.

۳. رویکرد فمینیستی

جنبش‌های فمینیسم در کشورهای مختلف، چه در گذشته و چه در حال حاضر، نقشی کلیدی در به چالش کشیدن هنجارها و تابوهای اجتماعی و خوداظهاری زنان ایفا کرده‌اند. با این حال، از نظر ما در مورد ارزش‌آفرینی این جنبش‌ها برای زنان از منظر حقوقی و اجتماعی، اتفاق خاصی نیفتاد و اعتبار چندانی کسب نکرد. در واقع، پرسش اصلی این است که آیا جنبش‌های فمینیسم، درحالی‌که زنانی انقلابی در همان کشورها با جان خود در این مسیر تلاش می‌کردند به نتیجه مطلوبی رسید؟ اما نهایتاً به دریافت حق سقط جنین ختم شد و تضعیف بنیان‌های خانواده، از بین رفتن تقدس خانواده و تضعیف ارزش‌های اجتماعی زن را در پی داشت.

جنبش‌های زنان در ایران

زمان شکل‌گیری جنبش‌های زنان در ایران تقریباً همزمان با دوران ناصرالدین شاه قاجار، یعنی حدود ۱۲ تا ۱۳ سال پس از شکل‌گیری اولین موج فمینیسم در آمریکا، جنبش‌های نهضت زنان در ایران نیز آغاز شدند. با وجود نزدیکی زمانی، تفاوت‌های قابل توجهی در دیدگاه، عملکرد و نتایج این جنبش‌ها بین ایران و آمریکا وجود داشت. در فضای کاملاً متفاوتی که در ایران حاکم بود، انجمن‌هایی مانند انجمن حریت نسوان یا انجمن آزادی زنان که در سال ۱۲۸۶ درست پس از تشکیل مجلس و جنگ جهانی اول تأسیس شده بودند، خیلی زود منحل می‌شدند و فعالیت‌هایشان استمرار نداشت.

یکی از انجمن‌های معروف جمعیت نسوان وطن‌خواه بود که در سال ۱۳۰۱ شکل گرفت و در سال ۱۳۱۲ توسط رضا شاه پهلوی منحل شد. این انجمن‌ها نیز در کنار سایر جنبش‌های زنان، خواستار حضور بیشتر زنان در جامعه بودند.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

جمعیت نسوان وطن خواه

جمعیت نسوان وطن خواه، که به همت خانم محترم اسکندری در سال ۱۳۰۱ شمسی شکل گرفت، یکی از نخستین سازمان‌های مدافع حقوق زنان در ایران بود. بانو اسکندری که از کودکی به دلیل مشکل ستون فقرات با نامالایمات جسمانی روبرو بود، با وجود تعلق به طبقه اشراف، از پیشگامان مبارزه برای احقاق حقوق زنان در ایران به شمار می‌رود.

اعضای جمعیت نسوان وطن خواه که عمدتاً از طبقات مرفه و تحصیل کرده بودند، در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کردند. آنها از پیشگامان کشف حجاب در ایران بودند و پیش از آنکه رضاشاه فرمان کشف حجاب را صادر کند، برای آزادی زنان در انتخاب پوشش تلاش می‌کردند؛ همچنین خواستار تحصیل و مشارکت اجتماعی زنان بودند و برای این منظور، مراکز آموزشی و درمانی برای زنان، به خصوص زنان محروم، ایجاد می‌کردند.

یکی از مشهورترین اقدامات این جمعیت، مقابله با جزوهای به نام «مکر زنان در جامعه» بود که در آن مخالفت با فعالیت زنان در جامعه ترویج می‌شد. بانو اسکندری به همراه دیگر اعضای جمعیت، به میدان سپه رفتند و این جزوات را از دست پسرانی که آنها را می‌فروختند، گرفته و در همانجا آتش زدند. این اقدام جسورانه، با واکنش نظامیه روبرو شد و بانو اسکندری و همراهانش بازداشت شدند.

در بازجویی‌ها، بانو اسکندری با بیانی قاطع و محکم به دفاع از حقوق زنان پرداخت و گفت: «ما این کار را برای حمایت از مادران شما انجام می‌دهیم. ما مکار نیستیم، بلکه عاقل هستیم». این سخنرانی شجاعانه، بانو اسکندری را به نخستین زنی که در راستای احقاق حقوق زنان دستگیر و بازجویی شد در تاریخ جنبش زنان ایران تبدیل کرد.

با وجود تلاش‌های جمعیت نسوان وطن خواه، در سال ۱۳۱۲ که دوره سرکوب نشریات و احزاب توسط رضاشاه بود، فعالیت این جمعیت نیز به تعطیلی کشیده شد. بانو اسکندری نیز در سن ۲۹ سالگی به دلیل بیماری از دنیا رفت، اما نام و یاد او به عنوان یکی از پیشگامان مبارزه برای حقوق زنان در ایران در تاریخ باقی خواهد ماند.



ظلم بزرگ (نقد زنان در نگاه سرمایه داری)

خطر تفکر انقلابی در نظام سرمایه داری

همانطور که در کتاب فریب بزرگ به آن اشاره شده، مهم ترین خطری که نظام سرمایه داری را تهدید می کند، وجود روحیه و تفکر انقلابی است. زمانی که جریان های موجود در جامعه، این روحیه انقلابی را از بین ببرند، در واقع به بقای نظام سرمایه داری کمک می کنند. جنبش های فمینیستی نمونه بارزی از این موضوع هستند. این جنبش ها که در ابتدا برای احقاق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان آغاز شدند، به مرور به سمتی کشیده شدند که به نفع نظام سرمایه داری عمل می کرد.

برای مثال، پیشروترین زنان در این جنبش، از حق سقط جنین، زیر سوال بردن مشروعیت ازدواج و از بین بردن تقدس زن در نظام خانواده دفاع می کردند و خواستار احقاق حقوق کاگران جنسی^۱ بودند. این اقدامات در نهایت به تضعیف روحیه انقلابی در زنان و دختران و انطباق آنها با نظام سرمایه داری منجر شد. بنابراین، سرکوب زنان در نظام سرمایه داری، نقشی اساسی در حفظ و بقای این نظام ایفا می کند.

السلامة والسلامة

۱. کارگر جنسی (sex Industry) به شخصی گفته می شود که در صنعت سکس استخدام می شود و به مشتری های خود خدمات جنسی ارائه می دهد.



مقام معظم رهبری «لَمَظَلَّة»:

«غربی‌ها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد...»

(بیانات در دیدار جمعی از زنان؛ ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

در سیر تاریخی مدرنیته، شاهد بی‌ارزش شدن نهاد خانواده و از بین رفتن تقدس زن هستیم که این امر، یکی از واکنش‌های نظام سرمایه‌داری به جنبش‌های زنان بوده است. نظام سرمایه‌داری با ضعیف کردن خانواده و کاهش ارزش زن در آن، به دنبال مهار کردن رویکرد انقلابی زنان و حفظ بقای خود است. زنی که در خانواده نقش فعالی در فرزندآوری و تربیت نسل آتی ایفا می‌کند، دیدگاه‌های پرورشی خود را به نسل بعدی منتقل می‌کند و این امر، می‌تواند چالش‌هایی برای نظام سرمایه‌داری ایجاد کند. بنابراین، نظام سرمایه‌داری با بی‌ارزش کردن خانواده و زن، به دنبال از بین بردن این چالش‌هاست...